



بارزترین پیام «ظهور حجّت»، جایگزینی عدالت فراگیر به جای ظلم فراگیر است که یک پیام سیاسی - اجتماعی مستند به روایت نبوی متواتر و پذیرفته شده شیعه و سنی است؛ **وَيَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا**، زمین مملوّ از ظلم و بیداد را، پر از عدل و داد می‌کند.»

این پیام در جوامع روایی شیعه، با صراحتی تردیدناپذیرتر به همراه جزئیات بیشتری قابل بررسی است. امام باقر علیه السلام ضمن اشاره به

۱. سنن ابی داود، چاپ اول، دار الجنان، ج ۲، ص ۵۰۹.

مقدمه

کتاب روایی مسلمانان با شفافیت کم نظیری از انتظار فعال و حضور در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی برای تشکیل حکومت جهانی مهدوی و رخداد «ظهور ولی عصر» که بسیاری از متون ادیان به گونه‌ای بدان اشاره دارد، سخن می‌گوید. این حادثه که شیعه به طور خاص با شیدایی و شیفتگی چشم به راه آن است، تحولات همه‌جانبه را در عرصه سیاست و مدیریت جامعه آرمانی، بر اساس تعالیم قرآن، به مستضعفان و تشنگان عدالت نوید می‌دهد.

مهدی علیه السلام، به گونه‌ای جا افتاده و مطرح بود که حکومت وقت با وحشت و نگرانی به هر ترفندی دست می‌زد تا جلوی وقوع آن را بگیرد. بازداشت و تحت مراقبت قرار دادن حضرت نرجس، اقدام مکرر حاکمیت برای دست‌گیری حضرت مهدی علیه السلام در سنین نوجوانی و جوانی،^۲ بازداشت محمد بن حسن معروف به شمیله به دست معتضد عباسی به اتهام تلاش برای واداشتن مردم به بیعت با امام و به سیخ آهن کشیدن و زنده زنده سوزاندن او،^۳ همگی دلایل گویایی است بر این ادعا که خلافت فرعون‌گونه عباسی، از پیش در جریان انقلاب مهدی قرار داشتند و آن را خطری برای سلطه خود می‌دانستند و به قصد پیش‌گیری و دفع خطر، به هر

پیشرفتهای اقتصادی و تکامل اجتماعی پدید آمده در سایه نهضت حضرت مهدی علیه السلام، تجربه حکومتی آن حضرت را به عنوان تجربه‌ای بی‌بدیل و عامل موفقیت مطرح می‌کند و می‌فرماید: «... دَوْلَتُنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَلَمْ يَنْبَغِ أَهْلٌ يَنْبَغُ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكَوْا قَبْلُنَا لِئَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكَنَا سِرْتَنَا مِثْلَ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ»^۱ حکومت ما آخرین حکومتهاست. هیچ خانواده‌ای مدعی حکومتی نیست، مگر اینکه پیش از ما حکومت کرده‌اند تا موقع مشاهده رفتار حکومتی ما، نگویند: ما نیز اگر به حکومت می‌رسیدیم، مشابه این گروه، رفتار می‌کردیم.»

در متون مربوط به مهدویت و عصر ظهور، به صورت روشن درباره دستیابی به توسعه فرهنگی، علمی، اقتصادی، قضایی، امنیتی، سیاسی و آموزش و پرورش سخن گفته شده است، تا ماهیت سیاسی - اجتماعی این رخداد تاریخی را مورد تأکید بیشتر قرار دهد.

شهرت و آوازه بُعد سیاسی مهدویت، حتی پیش از تولد حضرت

۱. الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، بزدی حائری، علی، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه اعلمی، ج ۲، ص ۲۸۲.

۲. الامام المهدی من المهدی الى الظهور، قراوینی، محمدکاظم، انتشارات محلاتی، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۹.

۳. مروج الذهب، مسعودی، علی بن الحسین، بیروت، دار المعرفه، ج ۴، ص ۲۴۴.

کاری دست می‌زدند.

آشنایی مسلمانان با ماهیت سیاسی تفکر مهدویت در مسیر تاریخ، به صورت بسیار گسترده‌ای مطرح بود؛ حتی در جهان اهل سنت باور به اینکه مهدی و مهدویت عامل رهایی از استبداد است، طرفداران بسیاری داشت و فرصت‌طلبانی با استفاده از چنین زمینه‌ای، در مقاطع مختلف، پرچم مهدویت را برافراشتند و خود را مهدی موعود معرفی کردند تا بدین وسیله بساط حاکمیت‌های موجود را برچینند.

به عنوان نمونه، مهدی سنگال در سال ۱۸۲۸ م به نام مهدی منتظر بر ضد قدرت حاکم دست به انقلاب زد. مهدی صومال (محمد بن عبد الله) در سال ۱۸۹۹ م با چنین ادعایی قیام کرد و مدت بیست سال با نیروهای انگلیس، ایتالیا و حبشی‌ها مبارزه کرد. مهدی تهامه (یمین) در سال ۱۱۵۹ م خود را مهدی مورد بشارت پیامبر اسلام قلمداد کرد و به حاکمیت حمدانی‌ها در یمین پایان داد. مهدی سودان در سال ۱۸۸۱ م بر ضد استبداد عثمانی قیام

کرد و خود را مهدی و نجات‌دهنده مردم سودان از فشار و ستم خلافت عثمانی خواند. وی در نبردی، حاکم سودان (رئوف باشای مصری) را شکست داد و حملات پی در پی لشکر مصر را نیز دفع کرد و سرانجام دولت مستقل سودان را تشکیل داد.^۱

ولایت اهل بیت به طور کلی رنگ و بوی سیاسی دارد و به معنای سرپرستی آمیخته به محبت، دلسوزی و هدایت است و در مورد حضرت مهدی علیه السلام این سرپرستی با هویت سیاسی شفاف‌تر و متکی بر اسلام ناب و تعالیم قرآن، در جوامع حدیثی به ثبت رسیده است.

جمله «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جُورًا وَظُلْمًا» که نخستین بار آن را پیامبر، به عنوان دستاورد نهضت حضرت مهدی علیه السلام به مسلمانان گوش زد کرد، پس از آن حضرت نیز یازده امام معصوم هر کدام برای مخاطبان زمان خود یادآوری می‌کردند

۱. حیاة الامام محمد المهدی، باقر شریف القرشی، چاپ اول، المطبعة امیر، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۴۴.

در اینکه آرزوی فرج و گشایش عمومی، یک آرزوی تقریباً عمومی و همگانی است، تردیدی نیست. هر انسانی آگاهانه یا ناخودآگاه آرزو دارد که در جامعه بشری درد و رنج وجود نداشته باشد، یا اینکه هر انسانی دست کم در هوای یک زندگی شخصی توأم با آرامش و امنیت به سر می‌برد.

در هر دو صورت، اگر آرزومند، مسلمان است، این خواسته را در قالب دعا در پیشگاه خداوند مطرح می‌کند تا خداوند آن را به صورت مستقیم با مشیت نافذ خود برآورده سازد یا با تعجیل در ظهور حضرت مهدی علیه السلام که برای عینیت بخشیدن به این آرمان بشری ذخیره شده است، این خواست همگانی را تحقق بخشد. آیا معنای انتظار همین است یا اینکه عدم

که حضرت مهدی علیه السلام، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آنکه ستم سراسر آن را گرفته باشد.^۱ این کار از این رو بود که چشم‌انداز آینده به صورت نورانی و امیدوارکننده در افق دید مسلمانان قرار گیرد و همه به فراگیر شدن عدالت بیندیشند.

روایت نبوی «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِسْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۲ که در کتب حدیثی شیعه و سنی ثبت شده، یادآور این است که هر مسلمانی باید چشم به راه باشد و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را یگانه راه‌هایی همیشگی از اسارت تمام غصه‌ها و گرفتاریها بشناسد و این چشم به راه زیستن را عبادت و مایه کسب رضایت خدا بداند. مطالعه متن روایت، این آرزو را در ضمیر انسان پدید می‌آورد که از منتظران حضرت مهدی علیه السلام باشد و از این طریق، ثواب با فضیلت‌ترین عبادت را به دست آورد.

تحقق این آرزو و آرمان، بستگی به شناخت دقیق معنا و مفهوم انتظار دارد و در گرو این است که انسان بداند با چه نوع گرایش و تصمیمی باید زندگی کند.

۱. الامام المهدي من المهدى الى الظهور، همان، ج ۱، ص ۹۵-۱۰۷.
 ۲. فرائد السمطين، منابع المودة، الجامع الصغير و سنن ترمذی، از کتب روایی اهل سنت، براساس تحقیق آیت الله صافی گلپایگانی، این روایت را نقل کرده‌اند. ر.ک: منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، لطف الله صافی، چاپ اول، مطبعة سلمان فارسی، ج ۳، ص ۲۱۴.

تصور کلی و ترسیم فراگیر از روابط اجتماعی عصر حضور است و می‌خواهد چشم‌انداز وضعیت اعتقادی، فکری و اخلاقی و رفتاری مخصوص آن زمان را بنمایاند. می‌توانیم این بیان کلی را در سه حوزه: اصحاب، انصار و جامعه تحت مدیریت امام زمان علیه السلام در پرتو آیات و روایات مربوطه بررسی کنیم تا منتظر، در گرفتن تصمیم مشکل نداشته باشد و آگاهانه عضویت جمع اصحاب، انصار یا جامعه تحت اداره امام زمان علیه السلام را بپذیرد.

در جامعه عصر حضور، ستم وجود ندارد و روابط متقابل در آن بر اساس عدالت استوار است. جمله «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» به صورت بسیار روشن، عمق پرهیز از همدیگر آزاری را بیان می‌کند. در آن زمان کسی نسبت به جان، مال، ناموس، حیثیت و آبروی خود احساس ناامنی نمی‌کند. امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

«وَلَدَهَبَتِ الشُّخْتَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ
وَاضْطَلَحَتِ السُّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْسِي
الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا

رضایت از وضعیت سیاسی - اجتماعی و تمایل به اینکه کاش ستمگران پرتوان‌تر به صحنه قدم گذارند تا ستم و ستمگری را به حد نصاب لازم برسانند و ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق یابد! و یا اتخاذ این تصمیم که باید توانمندتر شد و رویارویی با بیدادگری را توسعه داد تا شرایط لازم برای ظهور فراهم آید نیز جزء معنا و مفهوم انتظار است؟ آیا متون دینی به طور عام و متون مربوط به ظهور مهدی علیه السلام به طور خاص، در این باره دلالت و راهنمایی دارند یا نه؟

به هر حال، این مقاله پرسشهای فوق را جدی می‌داند و یافتن پاسخ واقع‌بینانه و دقیق برای آنها را وظیفه قطعی و اجتناب‌ناپذیر طرفداران تفکر مهدویت می‌شناسد و بر این باور است که خرد انسانی و متون دینی در این باره سخن دارد و باید این سخن را استخراج کرد و در معرض مطالعه دلباختگان مهدویت قرار داد.

واحد‌های اجتماعی همسو در

عصر حضور

جمله «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»

«فَجِيئُذِ تَطْهَرُ الْأَرْضُ كُتُورَهَا وَتَبْدِي
بَرَكَاتِهَا وَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً
لِصَدَقَتِهِ وَلَا لِسِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ
الْمُؤْمِنِينَ»^۱ آن روز زمین ذخایر و
برکاتش را آشکار می‌کند و مردی از
شما کسی را نمی‌یابد تا به او صدقه
دهد و احسان کند. چون تمام مؤمنان
بی‌نیاز می‌شوند. «عدل و غنای فراگیر
به صورت خودجوش و با اراده و
تصمیم انسانها به وجود می‌آید و کسی
که می‌خواهد عضو چنین جامعه‌ای
باشد بایستی عدالت‌پیشه و نیکوکار
باشد و همچون سایر اعضا بیندیشد و
عمل کند.

انصار در تفکر مهدویت، به
کسانی گفته می‌شود که به ندای امام
پاسخ مثبت می‌دهند و به یاری و دفاع
از ایشان می‌پردازند^۲ و با تمام امکانات
در خدمت نهضت قرار دارند و از
توانایی خاصی برخوردار هستند.

۱. بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر، چاپ دوم،

مؤسسه الوفاء، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۲. الزام الناصب، همان، ج ۲، ص ۲۸۲.

۳. الامام المهدي من المهدی الى الظهور، همان، ج

۱، ص ۴۷۹.

عَلَى النَّبَاتِ وَعَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا وَلَا يُهَيَّبُهَا
سَبْعٌ وَلَا تُخَافُهُ»^۱ عداوت و کینه از دل‌های
بندگان [خدا] برچیده می‌شود و بین
چارپایان و درندگان صلح و آشتی
برقرار می‌گردد؛ تا جایی که یک زن بین
عراق تا شام سفر می‌کند، در حالی که
قدم جنز بر گیاهان نمی‌گذارد و
جواهراتش را همراه دارد و هیچ
درنده‌ای او را نمی‌ترساند و هیجانی
نمی‌سازد.

روایت مذکور در پی بیان این
مطلب است که در زمان ظهور حضرت
حجّت نه تنها ترس انسان از انسان و
آزار انسان نسبت به انسان از بین
می‌رود، بلکه درندگان نیز از
درنده‌خویی دست می‌کشند و به طور
کلی، بساط ظلم از صحنه حیات
اجتماعی برچیده می‌شود.

در جامعه تحت امر امام زمان،
رفاه و بی‌نیازی، همگانی می‌شود و
استثمار و شکاف طبقاتی از بین
می‌رود و افزون‌طلبی، حرص و
منفعت‌پرستی جای خود را به احسان
و مدد‌رسانی می‌دهد. در روایتی امام
باقر علیه السلام می‌فرماید:

مقاومت، پیوند تنگاتنگی با میزان شناخت و معرفت و ایمان انسان دارد. در این باره قرآن دو سطح متفاوت درک و شناخت و ایمان مسلمانان صدر اسلام را گزارش می‌کند که در یکی، هر مؤمن بر ده نفر نامسلمان، پیروز می‌شود؛ به این دلیل که نامسلمانان تفقه و درک مناسبی از زندگی و فرجام آن ندارند؛ ولی مسلمانان از شناخت عمیق تری برخوردارند. حال، چنانچه مسلمانان گرفتار ضعف شناخت و ایمان شوند، توان مقاومتشان کاهش می‌یابد تا آن‌جا که یک مسلمان فقط بر دو مسلمان چیره می‌شود: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ * أَلَسَنَ حَقَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ»^۱ «اگر از شما بیست تن باشند و در جنگ پایداری کنند، بر دویست تن غلبه خواهند یافت. و اگر صد تن

کسی که می‌خواهد در جمع انصار قرار گیرد، شایسته است به خواندن دعای عهد رو بیاورد. تا از پیش با مسئولیتهای خطیر خود آشنا شود. در متن دعا آمده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنَّهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنَّهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»^۱ خدایا! مرا از یاران او، از کمک‌کاران او، از دفاع‌کنندگان او، از شتابندگان به سوی او در برآورده کردن حوایج او، از فرمانبران او امر او، از حمایت‌کنندگان از او، از پیشروان در انجام اراده او و از شهیدان در رکابش قرار بده!

انصار از ثبات و پایداری ویژه‌ای برخوردارند و با توانمندی مخصوصی در میدان مبارزه قدم می‌گذارند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا»^۲ دلهای آنان را آهنین قرار داده است. توان یک تن از آنان با توان و نیروی چهل نفر برابری می‌کند.

از نظر قرآن، افزایش توان

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲. بحار الانوار، همان، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۳. انفال/ ۶۵-۶۶.

امام، جوامع بشری آن روز را براساس عدل و داد اداره می‌کنند. واداشتن انسانها به اطاعت و رعایت عدالت، بیشتر معلول شخصیت و نفوذ معنوی آنها است و نه ابزار اعمال قدرت و حکومت. این مسئله، یکی از ویژگیهای حکومت حق در عصر حضور است.

به هر حال، نقش اجتماعی، انقلابی و سیاسی، و نیز شخصیت الهی، سیره و رفتار فردی و اجتماعی و حتی احوال شخصی اصحاب امام علیهم‌السلام، به صورت مشروح در روایات باب مهدویت بیان شده است؛ چنانکه امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ علیه‌السلام عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَحَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثٌ مِائَةٌ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَصْحَابِ بَدْرٍ وَهُمْ أَصْحَابُ الْوَلَايَةِ وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ»^۱ گویا قائم علیه‌السلام را می‌بینم که بر منبر کوفه است و سیصد و سیزده نفر اصحابش، به تعداد اهل بدر، اطرافش را گرفته‌اند. و آنان

باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می‌شوند؛ زیرا آنان مردمی عاری از فهمند. اکنون خدا به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین اگر از شما صد تن باشند و در جنگ پای فشرند، بر دویست تن پیروز می‌شوند. و اگر از شما هزار تن باشند، به یاری خدا بر دو هزار تن پیروز می‌شوند.»

اصحاب امام علیه‌السلام نیز که تعدادشان ۳۱۳ نفر است، در شیعه بودن، شجاعت و قدرت اراده مثل انصار امام هستند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «فَأَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُغْطِي قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَإِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبُرِ الْحَدِيدِ»^۱ همانا مردی از آنان توان چهل نفر را دارد و قلب او از پاره‌های آهن سخت‌تر است.»

در کنار این مشترکات، اصحاب مزایایی دارند که به موقعیت اجتماعی خدادادی آنان در عصر حضور، نفوذ اراده و سیره زندگی و پرستش آنان مربوط می‌شود؛ به تعبیر دیگر، آنان به برکت زندگی و بندگی ویژه، به قدرت فکری و مدیریتی رسیده‌اند که به عنوان فرمانروایان منصوب از طرف

۱. اثبات الهداة، حرّ عاملی، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ج ۶، ص ۴۰۵.

۲. همان، ص ۴۴۹.

اصحاب ولایت و حکمرانان خدا در زمین بر خلق اویند.»

و یا امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سِبَاعِ الْأَرْضِ وَسِبَاعِ الطَّيْرِ يَطْلُبُ رِضَاهُمْ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى تَفْخُرَ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَتَقُولَ: مَرَّ بِى الْيَوْمَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ،» گویا اصحاب قائم علیه السلام

را می بینم که میان مشرق و مغرب را گرفته اند و هیچ چیز نیست، مگر اینکه فرمانبردار آنهاست؛ حتی درندگان زمین و هوا. و هر چیز در مقام تحصیل رضایت آنان است تا جایی که زمینی بر زمین دیگر افتخار کند و گوید: امروز یکی از اصحاب قائم بر من عبور کرد.»

و در روایتی امام علی علیه السلام پس از بیان تعداد اصحاب امام و شجاعت و صلابت آنان می فرماید: «فَهُمُ الَّذِينَ وَحَدَّوْا اللَّهَ حَقَّ تَوْجِيدِهِ لَهُمْ بِاللَّيْلِ أَصْوَاتٌ كَأَصْوَاتِ الثَّوَاكِلِ خَوْفًا وَخَشْيَةً مِنَ اللَّهِ تَعَالَى قَوَامُ اللَّيْلِ، صَوْمُ النَّهَارِ، كَأَنَّمَا رَبَّاهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ وَأُمٌّ وَاحِدَةٌ قُلُوبُهُمْ مُجْتَمَعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَالنَّصِيحَةِ،»^۲ آنان به یکتایی خداوند به گونه ای که شایسته اوست، عقیده

دارند. آنان در شبانگاه چون زنان عزیز از دست داده، از خوف و ترس خدا ضجه و ناله دارند و شبها بیدار و روزها روزه دارند. چونانند که گویا آنها را یک پدر و مادر تربیت کرده و محبت و خیر خواهی، قلبهایشان را به هم گره زده است.»

آرزوی عضویت در گروههای فعال عصر حضور

فرهنگ مهدویت، منتظران را به خروج از بی تفاوتی تشویق می کند. در دعاهاى مختلف با تعبیرهای گوناگون، به اهل ایمان تذکر داده می شود که از خدا بخواهند که توفیق حضور فعال در واحدهای اجتماعی هدفدار عصر حضور را به آنان عنایت کند. این ادعیه به دعاکننده کمک می کند تا در قبال رخداد ظهور حجت، گرفتار موضع گیری اشتباه نشده، با آرامش خاطر در پی کسب موفقیت در جامعه آن روز باشد؛ از باب نمونه، چند مورد را ذکر می کنیم:

۱. همان، ص ۴۵۰.

۲. الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، همان،

ج ۲، ص ۲۰۰.

نفاق و منافقان را به ذلت و خواری می‌کشانی. ما را در آن حکومت از دعوت‌کنندگان به اطاعتت و از رهبران راهت قرار بده و در سایه آن، کرامت دنیا و آخرت را روزی ما گردان!»

در حقیقت، مضمون دعاهایی که ذکر شد، بیان خواست و آرزوی کسانی است که در حال انتظار به سر می‌برند؛ به عبارت دیگر، مؤمنان وقتی ظهور زود هنگام امام زمان علیه السلام را از پیشگاه خدا مسألت می‌کنند، هدفشان این نیست که به زندگی مرفه و بدون تشویش و نگرانی نایل آیند و شاهد پیشرفتهای علمی و صنعتی باشند؛ بلکه دنبال ایفای نقش خود هستند؛ آن هم نقش رهبری، سربازی، جهاد و دعوت به سوی خداوند و اطاعت دستورات او.

ادامه دارد

۱. «وَأَسْتَلُّ اللَّهَ... أَنْ يُؤَقِّنِي لِطَلَبِ بِسْأَلِكُمْ مَعَ الْأَسْمَاءِ الْمُنتَظَرِ؛^۱ از خدا می‌خواهم که توفیق دهد تا همراه امام منتظر از دشمنان شما انتقام بگیرم.»

۲. «وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَاتِّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ؛^۲ خدایا! مرا از یاورانش، پشتیبانانش، پیروان و شیعیانش قرار بده!»

۳. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَائِهِ حَوَائِجِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛^۳ پروردگارا! مرا از یاوران، یاران، مدافعان، مشتاقان، در برآوردن حوایج او و حمایت‌کنندگان از او و سبقت‌گیرندگان به تحقق خواسته‌های او و شهدای راه حضرتش قرار بده!»

۴. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ نُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدَلُّ بِهَا التَّفَاقُ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا فِيهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۴ پروردگارا! ما اشتیاق داریم که در سایه حکومتی کریمانه بندگی تو را پیشه کنیم؛ حکومتی که به وسیله آن اسلام و مسلمانان را عزت می‌بخشی و

۱. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورای غیر معروف.

۲. همان، زیارت دوم صاحب الامر.

۳. همان، دعای عهد.

۴. همان، دعای افتتاح.